

مجمع الجزایر ایران و ملی گرایی؟!

ابراهیم فرشی

بخش فارسی صدای آمریکا (برنامه افق) در ایام نوروز، برای اولین بار به سراغ سه خواننده کرد و آذری رفت. ناصر رزازی خواننده کرد، پریسا ارسلانی و خسرو امیری خوانندگان آذری، در کنار ارائه موسیقی این و آن خطه، نظرات خود را در مورد ملت، زبان و فرهنگ خویش بیان داشتند. هر سه خواننده به دلیل "طرح نظرات" شان مورد انتقاد شنوندگان و بینندگان این رسانه قرار گرفتند و عده‌های بی‌مهری و اتهام‌زنی را هم آذین بند کامنت‌های خود نمودند. اتهام تجزیه طلبی به دیگری که عشق به زبان، فرهنگ، سرزمین و باورهای ملی خود را بیان می‌کند، تکرار نوع دیگری از ناسیونالیسم و فرقه گرایی است.

گسترش ملی گرایی و ابراز عواطف نسبت به شخصیت‌هایی چون کوروش، فردوسی، مصدق در سالهای اخیر فزونی یافته و هنرمندان، شاعران، نویسندگان و ابواب جمعی رسانهها در تقویت این امر نقش آگاهانه‌تری برخلاف سالهای قبل از "انقلاب" ایفا کرده و می‌کنند. سخنان محبت آمیز کسانی نظیر احمدی نژاد و مشائی نسبت به کوروش و فردوسی نیز، نشان از این گسترده‌گی دارد.

گسترش این روند در ایران، تنها مختص فارس زبانان نبوده و شامل مردمان کرد، آذری، عرب، بلوچ، ترکمن، لر، مازندرانی، بختیاری و دیگران هم می‌شود، که نوعی بازگشت به خویشتن خویش است. این بازگشت به خویشتن خویش رخسار فرهنگی، زبانی، ملی، اتنیکی و مذهبی کمتر آشکار را بیش از پیش نمایانتر نموده و به سطح سیاسی و بیان خواسته‌های ملی ارتقا داده است. آشکار شدن تفاوتها میان اجزای بظاهر همبسته در ایران امروز، تنش‌ها، تیره‌گی‌ها، کج فهمی و عدم درک از هم یکدیگر را نیز فزونی بخشیده است.

بخش فعال "فارس"ها این روند را در درون خود به درستی مثبت و طبیعی ارزیابی می‌کنند، اما در مورد دیگران، ضمن عدم پذیرش آن، دچار نوعی تناقض می‌شوند. آنچه را برای خویش خوب می‌دانند، همان را برای دیگری نمی‌پذیرند و آنرا نوعی توطئه علیه خود، کیان سیاسی و سروری خویش می‌پندارند.

این بخش از مردم فارس (طیف‌های سیاسی، دانشگاهی، روشنفکری، هنری، فرهنگی، مذهبی و ایندولوژیک)، روند ملی گرایی در میان خود را ملی گرایی ملت فارس نمی‌نامند، بلکه آنرا ایرانی ترجمه کرده، آنرا مترادف با "ملت ایران" قلمداد می‌کنند، از دیدگاه آنان "ملت ایران" شامل همه آحاد مردمان ایران می‌شود، به عبارتی "ملت ایران" ملتی است که از مجموعه فارس، کرد، آذری، بلوچ، ترکمن، لر، عرب، تالشی، مازندرانی و دیگران تشکیل شده است. در قانون اساسی حکومت پهلوی و اسلامی "ملت ایران" آن ملتی تعریف می‌شود، که زبان آن فارسی، مذهب آن شیعه اثنی عشری است. پرواضح است در چنین تعریفی همه آن دیگرانی که امروز خود را ملت آذری (ترک)، بلوچ، عرب، کرد، ترکمن می‌نامند، نمی‌گنجد و در صورت اظهار وجود به عنوان ملتی دیگر، با مخالفت بخش دیگری از "ملت ایران" که نوعی تجزیه "ملت، دولت و سرزمین" تلقی می‌شود، روبرو می‌گردند. اصرار بر اثبات و انکار از هر دو طرف به معضل بزرگ سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه امروز ایران بدل شده است.

بیگانگی اجزای "ملت ایران" از همدیگر، در طول سه دهه گذشته به مراتب عمیقتر شده است، گسترش رسانه‌های صوتی، تصویری، چاپی و اینترنتی به زبانهای عربی، آذری، بلوچی، کردی، ترکمنی و کمتر بکارگرفتن زبان فارسی در این رسانه‌ها، از یک سو و رشد رسانه‌های فارسی زبان در مقیاسی وسیعتر بی‌توجه به فرهنگ، زبان و هنر دیگران از سوی دیگر، هم جدایی‌ها را گسترش داده و هم بیگانگی و نیز ناآگاهی عمومی از همدیگر را!

روند تکوین فکری، سیاسی و فرهنگی هرکدام از این جوامع منفک از همدیگر جریان دارد. زبان فارسی هم به دلیل از دست دادن نقش یگانه و محوری خود، کاربرد گذشته را ندارد. روند شکل گیری ملی در جغرافیای فارس و غیر فارس گفتمان سیاسی، فرهنگی، اجتماعی را در سطح عمومی کاهش داده، تا جائیکه مردمان امروز ایران در داخل و خارج در میان جزایر بسته خود محصور مانده‌اند.

در کنار بخش فارسی صدای آمریکا، شبکه بی بی سی فارسی نیز در ایام نوروز ابتکاری جدید از خود نشان داد. این شبکه با پیروی از برنامه‌های مشابه در شبکه‌های اروپائی، به دنبال بزرگان ایران زمین رفت و از میان دهها کاندید ۶ نفر را به عنوان سرآمدان تاریخ "ایران

زمین" انتخاب و آنها را از طریق فیلمهایی (۲۰ تا ۲۵ دقیقه‌ای) به شنوندگان و بینندگان خود شناساند و از آنها خواست برترین شخصیت تاریخ ایران زمین را انتخاب کنند. مخاطبین بی بی سی از میان زرتشت، کوروش، حافظ، مصدق، فردوسی و ابوعلی سینا، کوروش پسر کمبوجه اولین پادشاه پارس را به عنوان شخصیت برتر تمام تاریخ ایران زمین انتخاب کردند.

ابتکار بی بی سی فارسی (نه ایرانی) و انتخاب مخاطبین این رسانه بریتانیایی، امر بسیار مهمی را در عرصه سیاسی-تاریخی - فکری- فرهنگی و انتیکی، نمایان ساخت. نخست همخوانی فکری، فرهنگی، سیاسی نخبگان ملت فارس (کمیته برگزیده) و گردانندگان بی بی سی فارسی باهم و دوم انطباق آن با انتخاب مخاطبین بی بی سی.

بی بی سی فارسی، کمیته برگزیده و شنوندگان و بینندگان این رسانه، آگاهانه و صادقانه آن چهره‌ها و آن چهره‌های را انتخاب کرده‌اند که بازتاب ملی، فرهنگی، قومی، حکومتی و کیان ملت فارس می باشد. این انتخاب در راستای تائید درست و منطقی تاریخ ۲۵۰۰ ساله ملت پارس بوده و افزون بر این، انتخاب روح الله خمینی از طرف اکثریت مطلق ملت فارس به عنوان رهبر، سیاسی، مذهبی و ملی، در سال ۱۳۵۷ نیز، با توجه به تغییرات اجزای انتیکی و ملی و مذهبی این ملت بر بستر زمان، انتخابی منطبق بر جوهر ملی-مذهبی- تاریخی ۱۴۰۰ ساله ملت فارس و شیعه مذهبا بود!

انتخاب کنونی مخاطبین بی بی سی و عطف همگانی نسبت به کوروش، بیان نوعی بازگشت به خویشن تاریخی و ملی مردم فارس است. نزدیکی طیف ملی- مذهبی و ملی- چپ در سالهای اخیر به همدیگر نیز، نوعی رشد درک ملی در دو سوی مذهبی و چپ، ملت فارس را نشان می دهد، که آنهم منطقی است.

انتخاب کوروش غیرمسلمان [!؟] و عدم انتخاب فردوسی، حافظ، بوعلی سینا و مصدق مسلمان، تقویت رگه‌های ناسیونالیسم فارس و روگردانی از دین و اسلام را در میان شنوندگان و بینندگان بی بی سی فارسی، برملا می کند، عدم انتخاب شخصیتی چند ملیتی، فرا ملیتی چون زرتشت، که حلقه پیوند بین ملل ساکن در فلات ایران بوده، مزید بر علت است.

کوروش می تواند برجسته ترین شخصیت تاریخ سرزمین و مردم پارس باشد. او بنیانگذار سلسله پادشاهی پارس و سنبل برای حکومت ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی پارس و ایران به زعم بسیاری بوده. اما کوروش برای بازماندگان امروزی قوم ماد، همان جایگاه را ندارد. کوروش حکومت ماد را بر زیر کشید و آنرا منقرض نمود. او بسان تراژدیهای یونان باستان پدر بزرگ خود آخرین پادشاه ماد، پدر مادرش ماندانا را به درون سپاهال انداخت و بنیاد سلسله آنها را برکند و بر ویرانه‌های آن، سلسله پارس را بنیاد نهاد.

کوروش می تواند مورد احترام بازماندگان پارس و شخصیت برجسته این قوم باشد، اما او سنبل پیوند و یگانگی دو ملت کرد و فارس از طرفی و دیگر ملل غیر فارس از طرف دیگر نیست و این واقعیتی است که بینندگان و شنوندگان بی بی سی فارسی، مهر تائید بر آن زدند. اگر روزی بخش آذری و کردی صدای آمریکا همه پرسشی مشابهی راه بیاندازند، نتایج آن مغایر با نتیجه بی بی سی خواهد بود، که این یکی هم طبیعی خواهد بود.

کوتاه سخن: "ما" امروز با مردمانی در جغرافیای کنونی ایران روبرو هستیم، که مانند سابق نمی اندیشند. قالب سیاسی کنونی ایران و اندیشه غالب بر بسیاری از "ما" اجزای "ملت ایران" منطبق بر واقعیت کنونی این سرزمین نیست و نیاز به (update) به روز کردن اندیشه در فکر، سیاست و فرهنگ دارد.

شنوندگان و بینندگان بی بی سی در روز سیزدهم (اول آوریل ۲۰۱۲) انتخابی طبیعی از خود نشان دادند و دریچه‌های نو از اندیشیدن بر روی خود و دیگران گشودند، آنچه ناصر رزازی، پریسا ارسلانی و خسرو امیری نیز در رابطه با فرهنگ، زبان، ملیت و خواسته‌های خود بیان کردند، به همان نسبت امری طبیعی و نشان دادن دریچه‌های دیگر از اندیشیدن بود، که هر دو بستری مشابه دارند. مشکل در انتخاب این یکی و بیان خواسته‌های آن دگر نیست، مشکل در عدم پذیرش انتخاب دیگری از طرف این و آن است. مشکل در آنجاست که من و ما، دیگری را هم کیش خود می خواهیم و در صدد قالب زدن همدیگر هستیم. کاری نشدنی!

فروردین امسال - آلمان